



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرند

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، از این پس به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق خواهد داشت؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرپوز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.

نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org و ۴۶۴-۲۳۰۲۳۴۵۵

نخستین پارک تهران کجا ساخته شد؟

صدراعظم در آلاچیق

حسن حسن‌زاده

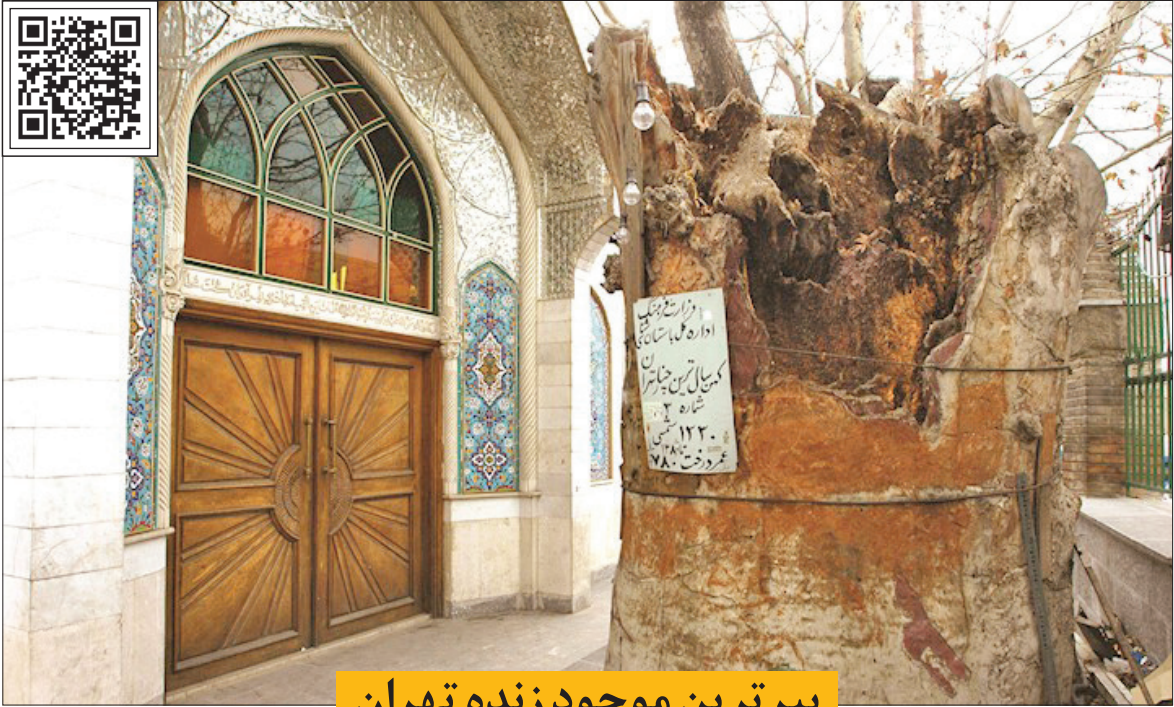
روزنامه‌نگار

اینجا نخستین پارک تهران بود؛ حوالی محدوده کنونی دروازه شمیران و جایی که امروز تنها یک در چوبی و نام «کوچه پارک امین‌الدوله» روی تابلوی شهرداری از آن پارک زبیا باقی مانده است. ماجرای ساخت نخستین پارک تهران به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد؛ یعنی به اوایل سال ۱۲۹۰ هجری قمری وقتی که «میرزا علی‌خان امین‌الدوله» وزیر ناصرالدین‌شاه و صدراعظم مظفرالدین‌شاه قاجار تصمیم گرفت برای خود باغی دلگشا در تهران بسازد. امین‌الدوله همراه با ناصرالدین‌شاه به انگلیس رفته بود که برای نخستین بار با مکانی به اسم پارک آشنا شد. او وقتی به تهران برگشت در ملک وسیعی که در حوالی دروازه شمیران داشت، باغی شبیه به پارک‌های انگلیسی ساخت؛ پارکی با یک دریاچه زیبا و مرغابی‌هایی که در میانه دریاچه بی‌وقفه

بازی می‌کردند. پارک امین‌الدوله حتی قایق‌های تفریحی هم داشت که به جذابیت وصف‌نشدنی آن اضافه می‌کرد. دریاچه این پارک که بعدها به منبع الهام دیگر پارک‌های مدرن تهران تبدیل شد ۲ هزار مترمربع وسعت داشت و آب هم از قنات امین‌الدوله تأمین می‌شد. در نخستین سال‌های ساخت این پارک، تهرانی‌ها همه روزه نمی‌توانستند از آن استفاده کنند. چرا که امین‌الدوله مهمانی‌ها و جلسات شخصی‌اش را در آلاچیق‌ها و عمارت کلاه‌فرنگی این باغ برگزار می‌کرد. با وجود این، امین‌الدوله در مناسبت‌های خاص به مردم تهران اجازه می‌داد که وارد این پارک شوند. پارک امین‌الدوله اما به سرنوشت بسیاری از باغ‌های تهران دچار شد و در مسیر توسعه ساخت و سازهای شهر از بین رفت. اکنون از نخستین پارک تهران، جز چند تصویر و یک سردر قدیمی چیزی باقی نمانده است.



این روایت تهران را با اسکن این کیوارک ببینید.



پیرترین موجود زنده تهران

نصبیه سجادی

روزنامه‌نگار

عودلجان یا اودلجان، کهن‌ترین و تاریخی‌ترین محله تهران، زمانی از مرفه‌نشین‌ترین منطقه تهران بود. این محله در دل خود آثار تاریخی و طبیعی بسیاری دارد، مثل امامزاده یحیی (ع)، خانه مهرانگیر و کامبیز، سرای کاظمی و حمام نواب. از آثار طبیعی هم درخت چنار است که عمری بیش از قدمت محله عودلجان دارد. این چنار حدود هزار سال است که در صحن باتوان امامزاده یحیی (ع) جاخوش کرده و یکی از کهن‌ترین موجودات زنده تهران لقب گرفته است. تعداد چنارهای امامزاده یحیی (ع) در قدیم ۳ اصله بود که ۲ درخت به دلیل عوامل انسانی و جغرافیایی از بین رفت و فقط یک چنار باقی ماند که سال ۱۳۳۰ ثبت ملی شده است. این چنار پیر به دلیل سن و سال بالا کمی

آسیب دیده و به‌وسیله زنجیر بسته شده تا بیش از این در هم نشکند. ارتفاع آن چندان زیاد نیست و شباهتی هم به چنار ندارد، اما با توجه به قطر ۷ متری‌اش می‌توان به قدمت آن پی‌برد. خرفه‌ای بر تنه این درخت وجود دارد که برخی بر این باورند در زمان‌های قدیم، مرد کفافی خرفه را ایجاد کرده تا در آن زندگی کند. او در آن خرفه به شغل کفاشی می‌پرداخته و همانجا هم می‌خوابیده است. قدیمی‌های محل می‌گویند که سال‌ها پیش ناگهان مرد کفاش آنجا را ترک کرده و از آن روز دیگر دیده نشده است، اما برخی دیگر به این گفته اعتقادی ندارند و بر این باورند که این خرفه بر اثر دود شمع‌هایی ایجاد شده که زائران آنجا روشن می‌کردند.

ثریا روزبهانی

روزنامه‌نگار

سال‌های پایانی دهه ۳۰ در فضای مدرن شهری تهرانیارس، تفریحی متفاوت راه‌اندازی شده بود که برای خیلی از جوانان جذاب بود، اما همه نمی‌توانستند از این تفریح استفاده کنند و این مکان بیشتر پاتوق جوانان مرفه و دیپلمات‌های آمریکایی بود تا در تنها سینمای ماشینی تهران بنشینند و فیلم ببینند. ایده ساخت نخستین سینما ماشینی «درایوین سینما» ۲۵ اسفند سال ۱۳۳۷ شکل گرفت. پس از موافقت اداره نمایش وزارت کشور، زمین در محدوده تهرانیارس فعلی برای شکل‌گیری این سینما انتخاب و بخشی از کار انجام شد. اما روند ساخت‌وساز به دلایل نامعلومی متوقف شد تا در ۶ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ این ایده عملی شد و درایوین سینمای تهرانیارس، نخستین سینمای ماشینی تهران و کشور فعالیتش را آغاز کرد، وسعت درایوین

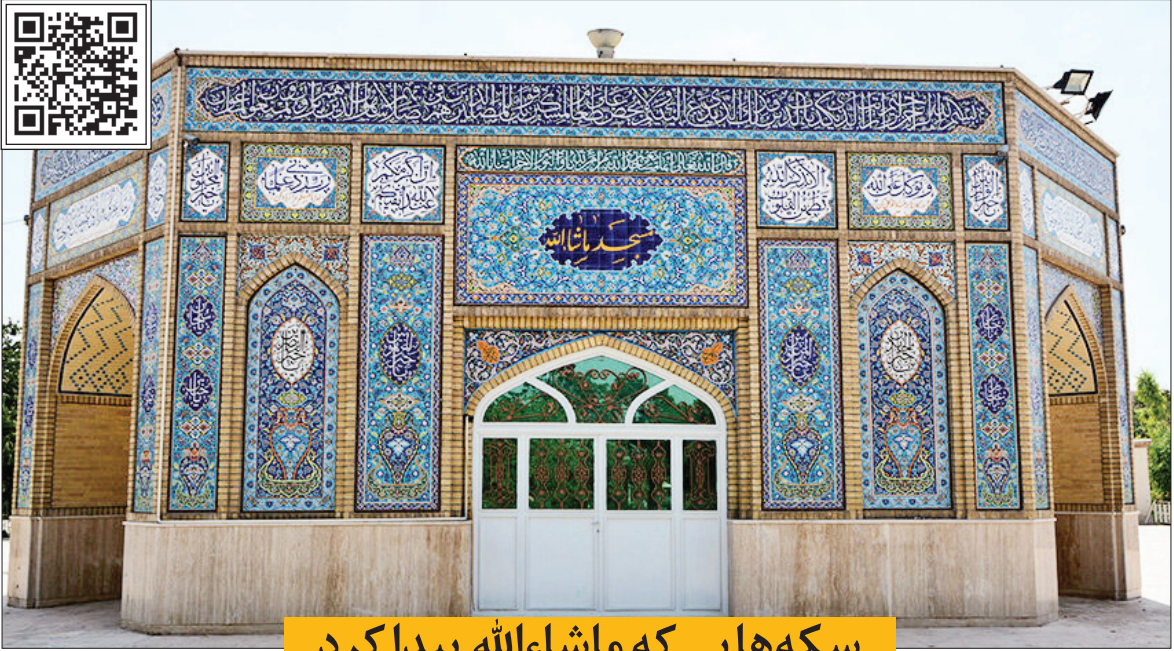


سینمای خودروی؛ ویژه پولدارها و آمریکایی‌ها

سینمای تهرانیارس ۳ هزار و ۲۰۰ مترمربع، گنجایش آن ۲۸۴ اتومبیل و بهای بلیت آن ۱۵۰ ریال بود که فیلم‌های بسیاری در آن به نمایش درآمد. «دربوش شهبازی» تهران‌شناس درباره هویت تاریخی این سینما می‌گوید: «وایل دهه ۴۰ وقتی که کودک بودم گاهی با مرحوم پدرم و خانواده به درایوین سینمای تهرانیارس می‌رفتم. یادم هست پرده وسیع سینما روی پایه‌های بتنی تعبیه شده بود و در کنار محل پارک هر ماشین میله‌ای قرار داشت که بلندگوها روی آن بود تا کم و زیاد کردن صدای آن در اختیار تماشاگران باشد.» کف‌سازی این درایوین سینما در بخش مخصوص اشراف دارای شیب مناسب‌تری بود تا آنها بتوانند راحت‌تر و بهتر فیلم را تماشا کنند. سینمای اتومبیل‌روی تهرانیارس در سال ۱۳۴۹ تعطیل شد و در محل آن ساختمانی احداث شد.



این روایت تهران را با اسکن این کیوارک ببینید.



سکه‌هایی که ماشاءالله پیدا کرد

ابوذر چهل‌امیرائی

روزنامه‌نگار

مسجد ماشاءالله، مکانی تاریخی در شهری به‌حساب می‌آید که گفته می‌شود روزگاری به مسجد مهمان کش معروف بوده است چرا که چند مسافری که شب در آن خوابیده بودند، فوت کرده بودند در زمان‌های قدیم، مسافران در راه مانده به مساجد می‌رفتند تا شب را در آنها سپری کنند، اما هر مسافر و مهمانی که برای اقامت شبانه وارد مسجدی در شهری می‌شد، صبح روز بعد، پیکر بی‌جان‌ش را از آن بیرون می‌کشیدند! به همین دلیل، به اینجا مسجد آدم‌کش یا مهمان‌کش می‌گفتند که در آرامگاه این بابویه شهری قرار دارد. این موضوع سبب شده بود تا اهالی شهری، مسافرها را از ماندن در این مسجد منع کنند. برخی می‌گفتند این مسجد جن دارد و اجنه هر کسی را که در این مسجد بخوابد، می‌کشند. این حرف‌ها باعث

شد تا فردی به اسم ماشاءالله تصمیم به رازگشایی از این موضوع کند و شب آنجا خوابید. او نیمه‌های شب صداهای عجیب و خوفناکی در مسجد شنید. صدا از روزنه‌ای می‌آمد. با کمی دقت متوجه شد این صداها در اثر وزش باد در روزنه تولید می‌شود و بی‌شک همین عامل سبب ترس، سسکته و مرگ کسانی می‌شود که شب را در این مسجد می‌خوابند. ماشاءالله با تشنه و کلتگ به جان روزنه افتاد تا آن را خراب کند، اما به یکباره مقدار زیادی سکه بیرون ریخت. او از آن پس ثروتمند و آنجا به مسجد ماشاءالله معروف شد. ابوحمزه، ری‌شناس معتقد است این مسجد در دوره صفویه ساخته شده است. با این وجود، باوری اقوامی، شعرمولانا در مسجد مهمان‌کش را به این مکان نسبت می‌دهد و بر همین مبنا قدمت آن را به قرون ۶ و ۷ می‌رساند.



تملک یخچال پدر بزرگ تختی برای ساخت راه آهن

یخچال‌های طبیعی داشتند. در واقع زمین‌ها و محدوده این یخچال‌ها جزوی از دارایی آنها محسوب می‌شدند. اما وقتی ماجرای ساخت راه‌آهن به میان آمد این اراضی توسط دولت تملک شد و زمینه نارضایتی و گل‌مندیه همه مالکان به‌ویژه حاج‌رجب تختی فراهم آورد. دولت وقت هم هیچ تلاشی برای جلب رضایت آنها نکرد. «معمار بنای ایستگاه راه‌آهن تهران که یکی از بناهای تاریخی پایتخت محسوب می‌شود، «ولادیسلاو ولادیسلاوویچ گارادینسکی» اوکراینی است که با الهام از شیوه معماری ایران باستان و به کارگیری سبک معماری اکسپرسیونیسم آرمان‌گرایان بنا را طراحی کرد. بنای ساختمان در آن زمان ۲۰ داشت که یکی از این درها برای ورود عامه مردم و در دیگر آن مختص رفت‌وآمد خاندان سلطنتی بود. این تصویر مربوط به ساختمان راه‌آهن در سال ۱۳۳۶ است.

یکی از قدیمی‌ترین ایستگاه‌های قطار ایران همین ایستگاه راه‌آهن تهران است؛ بزرگ‌ترین پروژه عمرانی کشور که ساخت‌وساز آن در اوایل قرن گذشته آغاز شد و پر از ماجراهای جالب و خواندنی است. یکی از این داستان‌ها مربوط به تملک اراضی یخچال خاندان تختی بود. کلتگ ساخت این ساختمان در ۲۳ مهرماه سال ۱۳۰۶ در جنوبی‌ترین بخش پایتخت، خارج از دروازه گمرک به زمین‌زده شد و دولت خیلی زود اقدام به تملک زمین‌های اطراف برای توسعه این پروژه کرد و این شروع ماجرا بود. «نصرالله حدادی» تهران‌شناس تعریف می‌کند: «در محدوده راه‌آهن فعلی افراد سرشناسی مانند، مرحوم «حاج رجب تختی» پدر بزرگ جهان پهلوان غلامرضا تختی، «حاج محمد حسن شمشیری»، «حاج رجب آدم‌بکان» و «رضا فرزان»

